

حمد بی حد و شکر بی عد . سزای ذاتی که در حد
 منشی احدیت و واحدیت شد . و مراتب از لبت
 و ابدیت گشت . و رابطه ظاهریت و باطنیت
 و واسطه اولیت و آخریت آمد که حد حاصل
 اشارت بدوست و برترخ جامع عبارت از
 و حقیقت محمدی خود اوست . و شنای بی نهایت
 و بن حضرتی که بنفین اول و تجلی او که شخص شعور
 بود بکمال ذاتی و اسمانی اجلا و شامل اعتبار
 وجود و عا و نور و شه و بود باعث تبیین دوم
 شد و تجلی او که شخص شعور است کمال آسای تفصیل
 و تجلی دوم که از حیثیت و احدیت بود و نفی این
 مرتبه اولو هیت کرد که شامل ظاهر وجودش
 که در جوب و صف خاص اوست و شامل ظاهر
 که امکان از لوازم اوست و شامل حقیقت
 است که بر زشت بین الوجوب و الامکان .

صلوات نامیات زاکیات بر همه کی که تعاین و ارفیق
 و اجسام تفصیل حقیقت و روح و جسم اوست و او
 بحقیقت و روح و جسم اجال جمع . و بر اولاد و
 اصحاب او باد که ما ملان غرض شرع او بودند و
 ما فلان نقش اصلی و فرعی او رضوان الله علیهم
 اجمعین **المجد** طایفه دوسمان که طالب علم
 توحید بودند و تحت قدم محقق و تجرید و از القاد
 ائمه این طایفه ایشان را برد الیقین حاصل نمی شد
 و از کتب ایشان و فهم عبارت آن نادر بودند اینها
 فیما بین آن که در آن رساله که جامع کلیات توحید و
 مراتب وجودی باشد بسازد و از برای هر مرتبه دایره
 بپردازد و صورت هر مرتبه را بدایره نماید . و مفتح
 صورت محسوسات در معانی و معقولات بگشاید . و
 این آیت را از شاخه قرآن از نفس رحمن بلیلی
 و از برای . و فی انفسکم افلا تبصرون . التماس
 ایشان را اجابت کردم . و بعد از استخاره و استخاره
 ایشان آن مشغول شدم . و نام آن رساله جام



۴
 ۱۱۱۱